



درجه استدلال و توجیه در فلسفه تحلیلی از فلسفه های دیگر بالاتر است

فلسفه تحلیلی فلسفه آکادمیک حاکم بر دانشگاه های کشورهای انگلیسی زبان (آنگلوساکسون) است و در آن درجه استدلال و توجیه از فلسفه های دیگر بالاتر است.

فلسفه تحلیلی فلسفه آکادمیک حاکم بر دانشگاه های کشورهای انگلیسی زبان (آنگلوساکسون) است و در آن درجه استدلال و توجیه از فلسفه های دیگر بالاتر است.

فلسفه تحلیلی (Analytic philosophy) فلسفه آکادمیک حاکم بر دانشگاه های کشورهای انگلیسی زبان (آنگلو-ساکسون) است.

فلسفه تحلیلی را در مقابل فلسفه قاره ای یا فلسفه اروپایی قرار می دهند. بنیان گذاران اصلی فلسفه تحلیلی، فیلسوفان کمبریج برتراند راسل و جرج ادوارد مور بودند. این دو از ریاضیدان و فیلسوف آلمانی گوتلوب فرگه تأثیر پذیرفته بودند.

از لحاظ منشأ، اصطلاح فلسفه تحلیلی یا analytical philosophy را، اولین بار گوستاو برگمن در سال 1945 در کتابی به کار برد؛ یعنی اصطلاح analytical philosophy را خود فیلسوفان تحلیلی از ابتدا به کار نبردند؛ اما از لحاظ معنا اصل صادقی در همه علوم وجود دارد و آن اصل می گوید در مواجهه با یک مسأله پیچیده باید، این مسأله را بیاییم و به اجزایش آنالیز کنیم و راجع به آن اجزا بحث کنیم و بعد دوباره از تحلیل به ترکیب بازگردیم.

در اصل آنالیز یعنی جدا کردن ازهم؛ یعنی مسأله دشواری را به اجزای ساده تری تحلیل کنیم و بعد با آن تحلیل تکلیف آن مسأله اولیه را روشن کنیم. این درواقع یک روش حل مسأله است که هم در ریاضیات و هم در فلسفه کاربرد دارد.

این گونه فلسفه بر روشن بودن، بامعنی بودن و ریاضی وار بودن جستارهای فلسفی تأکید فراوان دارد.

در فلسفه تحلیلی درجه استدلال و توجیه از فلسفه های دیگر بالاتر است. یعنی وقتی به مطالعه متون فلسفه تحلیلی می پردازید متوجه می شوید که فیلسوف استدلال می کند، مسائش را توجیه می کند و به تجزیه و تحلیل مطالب می پردازد.

اما فلسفه قاره ای یا فلسفه اروپایی گاه حتی حالت وعظ و خطابه و ادبیات پیدا می کنند، یعنی جنبه خطابی و بلاغی در آن پررنگ تر از جنبه ی تحلیل به نظر می رسد. اما فلسفه های قاره ای یا فلسفه اروپای متصل گاهی اوقات حتی حالت وعظ و خطابه و ادبیات پیدا می کنند.

فلسفه تحلیلی روش فلسفی تازه ای نیست و ریشه های آن را تا رساله «ته آئی ته توس« افلاطون و حتا سقراط نیز می توان دنبال کرد.

-به تفکر مابعدالطبیعی سازنده به دیدهٔ شک می‌نگرند.

- معتقدند که روش تحلیل خاصی وجود دارد که فلسفه فقط از آن طریق می‌تواند به نتایج مطمئن دست یابد

-تا حد زیادی از حل و فصل تدریجی مسائل فلسفی جانبداری می‌کنند.

منطق و فلسفه زبان از همان ابتدا از بحث‌های محوری فلسفهٔ تحلیلی بودند. چند تفکر از بحث‌های مربوط به زبان و منطق در فلسفهٔ تحلیلی پدید آمد؛ مانند پوزیتیویسم منطقی، تجربه‌گرایی منطقی، اتمیسم منطقی، منطق‌گرایی و فلسفه زبان متعارف.